

کلامی و کنش‌گرایی غرب

جایزه صلح نوبل و تکرار تناقض

دکتر احد نوری اصل

دکترای علوم سیاسی



سال‌ها است که برای افکار عمومی جهان روشن و آشکار شده است که سازمان‌های بین‌المللی و ارکان مختلف آن‌ها و سایر موضوعات به ظاهر حقوقی و صلح‌طلبانه مثل جایزه صلح نوبل، ابزارهایی در اختیار قدرت و سیاست استکبار جهانی هستند که از آن‌ها برای تحمیل ارزش‌ها، باورها و همچنین رسیدن به مقاصد خود استفاده می‌کنند؛ به همین دلیل، جایزه صلح نوبل نیز به همین درد گرفتار شده است که در چند دهه اخیر از آن به عنوان یک برند به نفع اهداف خود استفاده می‌کنند؛ بنابراین در این یادداشت، رفتار دوگانه و متناقض غرب در مورد این جایزه در سال ۲۰۲۳ مورد بررسی قرار گرفته است.

ابزاری به نام صلح

یک نمونه روشن از ریاکاری غرب در زمینه ارزش‌ها و هنجارها، موضوع صلح و جوایزی است که به صورت سالانه به برخی افراد به این منظور اعطا می‌شود. آلفرد نوبل در سال ۱۸۹۵ جایزه‌ای را پایه‌گذاری کرد که هر ساله در پنج حوزه فیزیک، شیمی، پزشکی، ادبیات و صلح به افرادی تعلق می‌گیرد که بیشترین خدمت را در آن عرصه‌ها به مردم عرضه داشته‌اند.

در مورد جایزه صلح، نوبل برایین باور بود که باید این جایزه به کسانی اهدا شود که بیشترین کوشش را در راه برادری ملل و ترغیب صلح به کار گرفته باشند اما این اعطای جوایز صلح، هر ساله مورد انتقاد شدید محافل گوناگون قرار می‌گیرد؛ چراکه به اذعان منتقدان، اعطای این جوایز، ماهیتی سیاسی دارد و توسط داورانی صورت می‌گیرد که به هیچ‌روی نمی‌توان نشانی از انصاف و بی‌طرفی در آن‌ها سراغ گرفت.

رسوایان صلح!

نگاهی به اسامی برندگان جایزه صلح نوبل از ابتدا تا به امروز، خود گویای افتضاحی است که در این چارچوب، هر ساله تکرار می‌شود و هیچ‌گاه نیز متوقف نمی‌گردد.

هنری کسینجر (شریک جنایت‌های مختلف در شیلی، کامبوج و فلسطین)، انورسادات (نخستین خائن به حقوق فلسطینیان در سطح جهان عرب)، مناخیم بگین (عامل قتل عام فجیع در دیر یاسین)، دالایی لاما (مؤثر در کشتار مسلمانان در میانمار)، آنگ سان سوچی (مؤثر در کشتار مسلمانان میانمار)، یاسر عرفات، اسحاق رابین و شیمون پرز (خائنان به حقوق بدیهی و اولیه مردم مظلوم فلسطین)، باراک اوباما (تهدیدگر ملت ایران به استفاده از سلاح اتمی

تحولات دهه‌های اخیر در سطح جهانی، پرده از این واقعیت برمی‌دارد که دنیای غرب و نهادهای مصنوع و وابسته آن، پیش و بیش از هر چیز در پی تحمیل منافع و اهداف خود بر دیگران هستند و با رویکردی تکبرجویانه و خودبرترین، رقبا و دیگران را به حاشیه می‌رانند. در این راه، غربی‌ها از مجموعه ابزارها و وسایل گوناگونی بهره می‌گیرند؛ یکی از مهم‌ترین این ابزارها در نگاه غربی‌ها، مسئله ارزش‌ها، هنجارها و قواعد دموکراتیکی است که در ذات خود به عنوان یک الگوی برتر در سطح جهانی، شمولیت دارد و همگان به اهمیت آن آگاهی دارند؛ برای نمونه مسئله حقوق بشر و یا صلح، موضوعاتی هستند که بشر به صورت فطری، تأمین و تضمین آن را مطالبه می‌کند و از مخدوش شدن آن می‌ترسد.

در عین حال، غرب همواره با استفاده ابزاری از این موهبت بزرگ، به پیشبرد منافع نامشروع خود می‌اندیشد و به حاشیه راندن موقعیت دیگران را در این چارچوب پی می‌گیرد. آنچه در قالب جنایت‌های فجیع جنگی از سوی صهیونیست‌ها در طول هفته‌های گذشته در غزه و حمله به بیمارستان‌های این منطقه رخ داد، گویای این واقعیت است که غربی‌ها نسبت به حقوق بشر، هیچ اهمیتی ندارند و کوچک‌ترین تلاشی برای بازداشتن رژیم وحشی صهیونیستی از ارتکاب جنایت‌های جنگی در حق مردم بی‌پناه، کودکان و زنان فلسطینی، صورت نداده‌اند؛ بنابراین دم زدن غرب از موضوعاتی مانند صلح و حقوق بشر، بیش از هر چیز، جنبه‌ای ریاکارانه دارد که به قصد فریب افکار عمومی صورت می‌گیرد.



امتیاز بهره برده است. اعطای این جوایز بیش از همه ثابت می‌کند که غرب به امثال عبادی و محمدی، به عنوان یک ابزار برای پیشبرد سیاست‌های ضدایرانی خود می‌نگرد و هیچ‌گونه تعهدی به مسئله صلح و حقوق بشر ندارد.

اعطای جایزه به این شخصیت‌ها در راستای معرفی نظام جمهوری اسلامی ایران (تهدیدگر منافع نامشروع غرب در منطقه حساس و استراتژیک غرب آسیا) به عنوان یک نظام ضد زن صورت می‌گیرد تا از این راه، تهران را تحت فشار قرار دهد و موقعیت کشورمان را متزلزل نماید. این در حالی است که امروزه همگان

و حامی همیشگی صهیونیست‌های جنایت‌کار) و... از جمله چهره‌هایی بوده‌اند که پیگیری و نقششان در ارتکاب جنایت در حق ملت‌ها، مانع از آن نشد که جایزه صلح نوبل را از آن خود نکنند!

جایزه‌بگیران ضدایرانی

امسال نیز جایزه صلح نوبل در امتداد مسیر بحث برانگیز خود، به یک متهم امنیتی در ایران (نرگس محمدی) اعطا شد. سال‌ها قبل هم این جایزه به شخصی به نام شیرین عبادی اهدا گردید که مروری بر کارنامه وی، گویای این واقعیت است که هیچ قرابتی با پیگیری اصول و ارزش‌های انسانی و بومی یک جامعه نداشته است و تنها به سبب اهداف سیاسی غرب از این

به روشنی می‌بینند که غرب ریاکار و مردم فریب، کوچک‌ترین حساسیتی در قبال فجایع جنایت‌کارانه صهیونیست‌ها در حق مردم بی‌پناه غزه (به ویژه کودکان و زنان) نشان نداده است و با آن عملاً همراه است.

دستمزد هتاک

طنز تلخ دیگر این ماجرا، اعطای جایزه صلح دیگری است که به تازگی از سوی مرکزی به نام واتسلاو هاول به سلمان رشدی، نویسنده هتاک و مرتد کتاب آیات شیطانی، اهدا گردید!

سلمان رشدی با نگارش آن کتاب موهن، عواطف و احساسات بخش اعظمی از جمعیت جهان، یعنی مسلمانان را تحریک نمود و آشکارا حرکتی مخالف صلح و به رسمیت‌شناسی حقوق دیگران و هجمه به یک آیین توحیدی به انجام رساند. اعطای جایزه به این ناقض حقوق مسلمانان جهان، نشان می‌دهد که سلیقه‌ها، انگیزه‌ها و معیارهای سیاسی، بیش از هر چیزی در این زمینه اولویت دارد.

هر ذهن آگاهی این نکته بدیهی را می‌پذیرد که اهدای جایزه صلح به کسی که به مقدسات یک آیین توهین کرده است و آشکارا عقاید و باورهای یک جامعه عظیم را نشانه رفته است، بیش از هر چیز، یک دهن‌کجی آشکار به ادیان توحیدی، مقدسات و مبانی آن بوده است و قابل قبول نیست.

پارادوکس فضاقت بار غرب

در مجموع، آنچه قابل توجه است، آن است که هم‌زمان با انجام جنایت‌های فجیع رژیم صهیونیستی در حق مردم مظلوم فلسطین (به ویژه در غزه)، هیچ‌یک از چهره‌های یادشده که جوایز صلح را دریافت کرده‌اند، حاضر به محکومیت لفظی این فجایع نیز نشده‌اند! از

همین نکته می‌توان فهمید که ماهیت جوایز صلح در جهان به چه صورت بوده است و با چه اهدافی اعطا گردیده است؟ غرب با این کارنامه سیاه و نفرت‌انگیز، آخرین گروهی است که صلاحیت اظهار نظر درباره موضوعاتی مانند حقوق بشر، صلح و دموکراسی را دارد. این جوایز نیز در نهایت، ارزشی در نزد افکار عمومی بین‌المللی ندارد و تنها باعث روی‌گردانی ملت‌ها از دریافت‌کنندگان آن می‌شود؛ چرا که آن‌ها در قبال مهم‌ترین موضوع روز (جنایت بی‌سابقه در غزه) مهر سکوت بر لب‌های خود دوخته‌اند.

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی نهایی به این نتیجه می‌رسیم که دادن جایزه صلح نوبل بر اساس معیارهای غربی، مفاهیم ارزش‌های سلطه و هژمون جهانی و به صورت کلی، یک جایزه سیاسی است حتی جایزه نوبل در علوم دیگر مانند ادبیات، سیاسی می‌شود. بر اساس ارزیابی کلی که از دادن جایزه نوبل به یک صد و بیست نفر، گروه و سازمان به عمل آمده، این نتیجه به دست آمده است که سیاست‌های غرب و آمریکا، بر انتخاب طرف‌های برنده جایزه صلح نوبل تأثیرگذار است؛ بنابراین دادن این جایزه بر اساس معیارهای بی‌طرفانه، دروغی بزرگ است و تیمی که افراد برنده را انتخاب می‌کند، بخشی از سیاست‌های این هژمون است.